گزارش خبر
NEWSREPORT

کد خبر: ۴۷۳۶۴۱
پنج شنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۳ ۲۳:۱۵

گاهی کلمات درد دارد، صدا ندارد

هوای اردیبهشت ماه شیرازی شده ست

این روزها هوای اردیبهشتِ شیراز ناجوانمرده رنگ و بوی بهمن‌ماه را به خود گرفته است.

به گزارش گروه فرهنگ، هنر و رسانه گزارش خبر، علی بلندنظر و محمد ناصری‌راد فیلمسازان شیرازی در یادداشتی پیرامون حال و هوای این روزهای شیراز آورده اند: این روزها هوای اردیبهشتِ شیراز ناجوانمرده رنگ و بوی بهمن‌ماه را به خود گرفته، اما نباید فراموش کرد در شهری که خبری از خط فقر، رکود و تورم، نیرنگ و ریا، نابرابری، دروغ و بی اخلاقی نیست، احساس میشود که بی عدالتی بیداد میکند، حال آنکه چاره ی این مسئله‌ی حل نشده چیست؟

آن زمان که بی عدالتی در کل سیستم و شرایط حاکم سینما اتفاق می افتد حل آن در استانی دور افتاده و فراموش شده نظیر فارس بی معنا، بی اساس و بی اعتبار است، نیست؟!؟

میدانیم که حل نمی شود، میشود ؟!؟

مسئله بی عدالتی فاعلی دارد، هر فاعلی نیز مفعولی باید داشته باشد اما در این عرصه حداقل فاعل گنگ و ناپیدا است، هر کسی به گردنِ دیگری می‌اندازد و پیچیده تر از آن است که بتوان آن را پیدا کرد و حتی سراغ آن رفت و گوشش را پیچش نرم اما محکمی داد، پیچش هایی از جنسِ ممیزی که همواره نصیبِ هنرمندِ زبان بسته میشود، همان ممیزی‌هایی که قبل از هرکس خودمان لحاظش کرده‌ایم؛ نه چون دوستش داریم یا پذیرفته‌ایمش یا برای ما محترم است؛ بلکه چون ساکن سرزمینی هستیم که عاشقانه دوستش داریم، و قوانینِ این زیست‌بوم ، خوب یا بد، خوشایند یا ناخوشایند، ممیزی را بر گردن ما نهاده و گردن هنرمند از مو باریکتر !!!

"گاهی کلمات درد دارد، صدا ندارد."

هنرمند بینش و خوانش دارد، جهان بینیِ او عموما صواب و صلاحِ کار است، هنرمند هیچ علاقه ای ندارد تا بر هم زنندهٔ نظم باشد، او نیک میداند که همه میدانند بیگانگان هرگز صلاحِ مملکت و مردمش را نخواسته و نخواهند که خواست، چنانچه نمونه ای در تاریخ سراغ دارید، بگویید تا به سراغش برویم.

هنرمند دلداده ی مردم است، معتقد است که باید پسران و دخترانِ وطن را به آغوش کشید تا دعواهای اساسا بی اساس فیصله پیدا کند، نبضِ مردم نبضِ اوست؛ تجزیه را برنمیتابد و فصلِ مشترکی دارد به نامِ تمامیتِ ارضی او دقیقا میداند اعتراض حق است و مواظب است بازی نخورد، هرگز به موطن و مردمش خیانت نکرده، نمیکند و نخواهد کرد، ما که چنین هنرمندی نمیشناسیم، اگر شما سراغ دارید معرفی کنید تا بشناسیمش .

"گاهی کلمات درد دارد، اما صدا ندارد"

بگذریم، مجال کوتاه است و بهتر است از حال و هوایِ زمستانیِ اردیبهشتِ شهرمان بگوییم، سال قبل محمد خراعی به شیراز آمد، وعده هایی داد، بنا گذاشت جشنواره ی فیلم حتی در قامتِ بلند و در اندازه ای ملی با موضوع "خانواده" در شهر شیراز آغاز بکار کند، بنا گذاشت فلان کند، بنا گذاشت فلان نشود و ده ها بنای دیگر، سرانجام به تهران رفت، و رفت، در نتیجه در سالِ قبل هیچ جشنوارهٔ فیلمی حتی در سطح شهرستان شیراز برگزار نشد چه رسد در گستره ی ملی !!! امید است امسال، رفیقِ پارسال نشود .

"گاهی کلمات درد دارد، ولی صدا، ندارد"

اما در اردیبهشت ماهِ زمستانی و به رسمِ هفته ی شیراز، هر اداره و سازمانی، مراسمی میگیرد و با ضوابط، معیار و شاخص های خودش به تقدیر و تمجید از هنرمندانِ این شهر میپردازد، اما هستند هنرمندانی نظیر ما که نمیدانم چرا و از طریق کدام فاعل، مدعو هیچ یک از جشن‌ها، بازی‌ها و تقدیرگاه‌ها نبودند و نیستند، اما ما تن و دل به یأس نسپرده و در نهایت موفق شدیم با جدلِ بسیار، پیغام و پسغام فراوان و مطالبه‌ی بِحق، آن هم با اغماض اکراه و منت در دقایقِ اضافه‌ی این بازی مورد رحمت واقع شده و در قعرِ لیستِ دعوت شدگان جای داده شویم، بسیار سپاس که واقف هستید حرمت، احترام می‌آورد و احترام خودش، والا ارزش است.

سخن پایانی

همگان نیک میدانند که هنرمند، هونر را در کف دارد، آگاه است و متعهد و همین موجب شده حتی اگر سدّهایِ راهش پرشمار و همرَهانش اندک باشند، از سودایِ حقیقت مایوس و پشیمان نشود و اراده اش را به لرزه نیاندازد.

ما ایمان داریم روزی این راه سخت و سرشار از اوج و حضیض، هموار گشته و سختی ها و مرارت های آن نشان افتخاری خواهد شد برای هنرمند،

افتخاری بس شریف که ماهیانِ دریا سودا به او بخشیده‌اند، نه مرغان ماهیخوار.

"گاهی کلمات درد دارد، اصلا صدا ندارد"

دوازدهمِ اردیبهشتماهِ زمستانیِ شیراز
محمد ناصریراد
علی بلندنظر